

آبان دلخراش برای کارگران

ما به ایران پر حادثه عادت داریم

لزوم اجرای قانون الزام در تأمین اجتماعی

علی اکبر عبوسی، عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان کارگری تأمین اجتماعی تهران



چندین سال است که کانون عالی بازنشستگان به نمایندگی از بازنشستگان و کانون ها، برای ارائه خدمات بیمه تکمیلی، مناقصه برگزار می کند. در قرارداد جدید ۱۴۰۰-۱۴۰۱ ۹۱ هزار تومان از بابت هر بازنشسته، به صورت ماهیانه در نظر گرفته شده است. این مبلغ برای بازنشستگان حداقلی بگیری که بیش از ۶۰ درصد از بازنشستگان را تشکیل می دهند، بیش از حد زیاد است. هزار تومان، هم هزار تومان است و ۹۱ هزار تومان با این مستمری ها جور در نمی آید.

البته کانون عالی بازنشستگان در انعقاد قرارداد و تعیین برنده مناقصه، توان معیشتی بازنشستگان را در نظر می گیرد، با این حال هزینه های درمان با توری که به این حوزه تحمیل شده، افزایش یافته است. در این میان تنها بازنشستگان غیر حداقلی بگیر، شامل بازنشستگان میانه بگیر و مسقف بگیر توان پرداخت این ۹۱ هزار تومان را دارند.

برابر قانون الزام، سازمان تأمین اجتماعی به اجرای بند های (الف) و (ب) ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی مکلف است که هزینه های حوادث و بیماری های و بارداری را پوشش دهد، در نتیجه اساساً، بازنشستگان نباید به بیمه تکمیلی نیاز پیدا کنند. بحران تأمین اجتماعی و انباشت بدهی دولت، موجب شده که سازمان خدمات مختلف خود را برون سپاری کند و به هر شکل، بازنشسته ها اجباراً به این سمت سوق داده شده اند و کانون ها و کانون عالی به جهت جبران خلاء پوشش خدمات، پذیرفته اند که با شرکت های ارائه دهنده خدمات، طرف قرارداد شوند. منتها سازمان تأمین اجتماعی باید در نظر داشته باشد که قرار نیست که بازنشستگان با این وضعیت آخت بگیرند و در زمان ریگان خود را از دست بدهند. تمامی این خدمات باید از طریق نظام تأمین اجتماعی ارائه شوند. به همین دلیل از سازمان تأمین اجتماعی انتظار داریم که به پوشش هزینه های بیمه تکمیلی بازنشستگان کمک کند. در قرارداد ۹۹-۱۴۰۰ سازمان تأمین اجتماعی ۲۱ هزار تومان از بابت هر بازنشسته پرداخت می کند و در قرارداد ۹۸-۹۹ این مبلغ تنها ۲ هزار تومان بود. به همین دلیل از سازمان تأمین اجتماعی انتظار داریم که سهم بیشتری را از بابت قرارداد بیمه تکمیلی اختصاص دهد.

البته مدیر عامل جدید سازمان تأمین اجتماعی در چند نوبت وعده داده که سهم سازمان را از قرارداد بیمه تکمیلی افزایش دهد. موسوی در دیدار با اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس و در چند جلسه دیگر قول داده که سازمان ۵۰ درصد هزینه های بیمه تکمیلی بازنشستگان را پرداخت کند. با این حساب، سهم سازمان از ۲۱ هزار تومان به ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش می یابد و البته انتظار داریم که قول مدیر عامل واقعاً عملی شود و صرفاً راقول محسوب نکرده باشد!

در مورد راهکارهایی که برای پرداخت هزینه های بازنشستگان پیش بینی شده است، هم باید گفت که سال گذشته من به نمایندگی از بازنشستگان در جلساتی با مدیر عامل آتیه سازان حافظ (شرکت برنده بیمه تکمیلی) شرکت کردم. پس از اینکه اعتراض خود را به اطلاع وی رساندم، به دنبال افزایش اعتراض های بازنشستگان، آتیه سازان متعهد شد که هزینه های پایین تر از ۵۰۰ هزار تومان را در کمتر از ۷۲ ساعت به حساب بازنشستگان پرداخت کند. با این حال در مورد هزینه های بالاتر از این میزان چنانچه مرکز درمانی با آتیه سازان قرارداد داشت، مقرر شده که در جا (بر خط) سهم بیمه پرداخت شود. در مورد مراکز فاقد قرارداد با آتیه سازان هم بازنشستگان باید اسناد پزشکی و هزینه هایی که متقبل شده اند را به این شرکت ارائه کنند. اگر هزینه ها بر خط کسر شود، بازنشستگان در بیشتر مراکز تحت پوشش دریافت بر خط قرار می گیرند. با این همه، ما امیدواریم که هزینه های بیمه تکمیلی به کل از سر بازنشستگان برداشته شود و بازنشسته ها به هیچ وجه به این سمت سوق داده نشوند. پوشش هزینه های درمان بیمه شدگان به صورت ۱۰۰ درصد رایگان، وظیفه اصلی، قانونی و شرعی بیمه شدگان است و انتظار نداریم که این هزینه ها را سر بار بازنشستگان کنند.



زهره معرفت

آبان، ماه دلخراشی بود. آمار حوادث کار در یک ماه گذشته نشان می دهد اراده ای برای بهبود اوضاع ایمنی و بهداشت کارگران وجود ندارد و حتی مرگ های دلخراش کارگران نیز تلنگری به مسئولان برای تغییر اوضاع وارد نمی کنند. انگار سر نوشت کارگران همین است. آنها همه جوهره باید در خدمت جامعه باشند بی آنکه کسی به آنها بپندیشد. جمعیت چند میلیونی ای که قرار است بار تولید و رشد اقتصادی را به دوش بکشد همیشه در ادعای پیچ دشوار تاریخی، مطالباتشان نادیده گرفته می شود. گویا تا کارگران قربانی نشوند، چرخ تولید نمی چرخد.

آبانی که بوی مرگ می داد

دوم آبان ماه، خبر مرگ یک کارگر تاسیساتی بر اثر سقوط منبع موتورخانه، به تیر اخبار حوادث رسانه ها بدل شد. دو روز بعد یعنی در چهارم آبان یک کارگر ساختمانی حین انجام عملیات تخریب ساختمان جان باخت. حادثه روز پنجم اما از آن دست حوادث دلخراشی بود که نمی شود به سادگی از آن گذشت؛ مرگ سریالی کارگران کارخانه فولاد البرز ناب آرش، حادثه ای که اهمال دلیل اصلی آن بود و منجر به مرگ سه کارگر جوان و تازه کار شد. هشتم آبان دو مکتبی بر اثر ریزش فnat جان باختند. نهم آبان، یک سیمبان در حادثه برق گرفتگی جان خود را از دست داد و یک سیمبان هم زخمی شد. دهم آبان بر اثر برخورد سواری حامل کارگران با یک تراکتور در استان آذربایجان غربی ۲ نفر کشته و ۳ نفر زخمی شدند. همچنین در این روز سه کارگر کارخانه سراسازی بر اثر سقوط در مخزن بزرگ سر که کشته و مصدوم شدند. مرگ چهار کارگر میاندوآبی بر اثر سقوط از بالا برو کشته و زخمی شدن دو کارگر بر اثر برق گرفتگی با کابل فشار قوی در تهران حوادثی است که در ۱۴ آبان ماه اتفاق افتاد. مرگ یک کارگر زن جوان در کارخانه ریسندگی سمنان به علت گیر کردن مقنعه او در دستگاه ریسندگی، حادثه بر سر و صدایی بود که در ۱۶ آبان رخ داد. ۱۷ آبان کارگر کارخانه هفتسجان در چهارمحال و بختیاری بر اثر واژگونی گونی شکر جان باخت. حادثه تصادف سرویس کارگران معدن چادرملو و مرگ سه کارگر ساختمانی بر اثر گاز گرفتگی در اصفهان حوادث منتشر شده ۲۲ آبان ماه بود. در ۲۳ آبان باز هم حادثه سرویس کارگری این بار در عسلویه رخ داد که باعث مرگ یکی از کارگران شد. فردای همان روز کارگر دیگری در عسلویه بر اثر سقوط از ارتفاع در گذشت. ۴ روز بعد و در ۲۸ آبان چهار کارگر نصاب آسانسور حین کار در یک ساختمان نیمه کاره در تبریز دچار حادثه شدند و یک نفر جان باخت. در حالی که به روزهای پایانی آن نزدیک می شدیم، تنها در یک روز سه حادثه سنگین کارگری رخ داد. ۲۹ آبان ماه روز سیاهی برای کارگران بود؛ در جریان سقوط

داربست پروژه ساخت یک سیلوی گندم، ۱۹ کارگر سقوط کردند که یکی از آنها کشته و باقی مصدوم شدند. در همان روز سه کارگر بر اثر آتش سوزی در یک کارگاه کیف و کفش سازی مصدوم شدند و باز در همان روز یک کارگر ساختمانی بر اثر ریزش سقف ساختمان جان باخت. حتی سی امین روز آبان هم خالی از حوادث کار نبود. ۲ کارگر در دو حادثه جداگانه در کرمان مصدوم شدند. یکی از آنها کارگر پروژه فاضلاب شهری بود که بر اثر ریزش دیواره کانال دچار مصدومیت شد و دیگری یک کارگر ساختمانی بود که بر اثر برق گرفتگی از ساختمان سقوط کرد و مصدوم شد. آخرین حادثه ای که رسانه ها برای ماه آبان تیتیر زدند هم مصدومیت ۵ کارگر بود که در حادثه آتش سوزی در شرکت نفت و گاز مسجد سلیمان دچار سوختگی شدند.

آمار حوادث کار در ایران

در ایران بر سر آمار دقیق حوادث کار، اجماعی وجود ندارد. آماري که توسط پزشکی قانونی، سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار اعلام می شود به دلیل عدم یکسان بودن تعاریف و مفاهیم فاصله قابل توجهی با هم دارند.

طبق آماري که سازمان تأمین اجتماعی ارائه کرده، ۴۴۱ هزار و ۲۴۱ حادثه ناشی از کار در سال ۹۹ ثبت شده که از این تعداد ۷۳۰ حادثه منجر شده که بر اثر ریزش دیواره کانال دچار مصدومیت شد و دیگری یک کارگر ساختمانی بود که بر اثر برق گرفتگی از ساختمان سقوط کرد و مصدوم شد. آخرین حادثه ای که رسانه ها برای ماه آبان تیتیر زدند هم مصدومیت ۵ کارگر بود که در حادثه آتش سوزی در شرکت نفت و گاز مسجد سلیمان دچار سوختگی شدند.

وزارت کار در سال ۹۹ تعداد آسیب های شغلی ۹ هزار و ۲۹۵ مورد بوده که از این تعداد ۷۵۱ حادثه منجر به فوت رخ داده است. «علی حسین رعیتی فرد» معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در آخرین اظهارات خود گفته که سالانه ۱۳ هزار حادثه ناشی از کار در کشور رخ می دهد که ۷۰۰ تا ۸۰۰ مورد آن منجر به فوت می شود.

این در حالی است که به جرات می توان گفت آمار رسمی همیشه میزانی کمتر از آنچه در واقعیت اتفاق افتاده را نشان می دهد. آمار ارائه شده توسط مراجع رسمی بیشتر مربوط به کارگاه های بزرگ است و بسیاری از کارگاه های کوچک را در بر نمی گیرد. به علاوه قرار گرفتن کارگران در ضعف باعث می شود بسیاری از کارگران آسیب دیده و خانواده های کارگران

متوفی، بعد از حادثه با کارفرما بر سر گرفتن دیه به توافق برسند و این گونه بخش قابل توجهی از این حوادث از محاسبه در آمار رسمی خارج شود. همچنین باید به این نکته نیز اشاره کرد که آمار مربوط به بیماری های شغلی معمولاً پنهان می ماند. کارگران بسیاری هستند که بعد از سال ها کار به دلیل عدم اجرای صحیح قوانین مربوط به ایمنی و بهداشت با مشکلات و بیماری های مختلفی مواجه می شوند. از بیماری های ساده تا بیماری های خطرناکی چون آسم و سرطان، نتیجه کار کردن در محیط های ناسالم کاری است.

نابیده گرفتن الزامات بهداشتی قانون کار در کشور

اگر چه قانون کار در مواد ۸۵ تا ۹۵ به حفاظت فنی و بهداشت اشاره کرده اما نگاهی گذرا به آمار های ناقص ارائه شده توسط مراجع رسمی در خصوص حوادث و سوانح کار نشان می دهد نظارت و پیگیری روشنمندی در خصوص اجرای این مواد وجود ندارد. در واقع عواملی چون نبود امنیت شغلی و ترس کارگران از کارفرمایان و همچنین نبود تشکلهای مستقل کارگری باعث شده عملاً کارگران در موضوع ضعف قرار بگیرند و این شاید از مهم ترین دلایل وقوع بی وقته حوادث کار در ایران باشد. بخش اعظمی از حوادث به دلیل عدم نظارت در محیط کار اتفاق می افتد، از این رو وظیفه بازرسی از محیط کار به منظور پیشگیری از وقوع این حوادث اهمیت بسیاری دارد. به گفته ی برخی از فعالان کارگری بازرسان کار نمی توانند به تنهایی از پس بازرسی ها بر بیایند. «حاتم شاکرمی» معاون پیشین روابط کار و رفاه تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیشتر در خصوص کمبود بازرسان کار گفته بود: «بر اساس اسنادلر ده های جهانی به ازای هر ۱۰ هزار کارگر یک بازرس کار باید وجود داشته باشد اما ما به ازای هر ۱۵ هزار نفر یک بازرس کار در کشور داریم.»

اگر چه آمار بازرسان کار در ایران بسیار پایین است اما فعالان کارگری معتقدند مهم تر از این مولفه، وجود تشکلهای آزاد و مستقل کارگری است. آنها می گویند تا زمانی که نمایندگان واقعی کارگران در کمیته های مربوطه وجود نداشته باشند، فساد حاکم بر دستگاه های اجرایی عملاً این قبیل اقدامات نظارتی را از اعتبار می اندازد. در همین خصوص «حسن باقری»

باقری: در همین معدود بازرسی هایی هم که صورت می گیرد بعضاً بازرسان کار به جای ارائه گزارش های صحیح، پنهان کاری می کنند و احتمال اینکه از جانب کارفرما تطمیع شوند، وجود دارد

عضو هیات مدیره کانون هم اهنگی شورا های اسلامی کار استان تهران می گوید: «بحث کمبود تعداد بازرسان کار همواره به عنوان یکی از مهم ترین علل افزایش حوادث ناشی از کار مطرح بوده اما باید به این واقعیت نیز توجه کنیم که در همین معدود بازرسی هایی هم که صورت می گیرد بعضاً بازرسان به جای ارائه گزارش های صحیح، پنهان کاری می کنند و احتمال اینکه از جانب کارفرما تطمیع شوند، وجود دارد. وی همچنین به ضعف و عدم استقلال تشکلهای کارگری در ایران اشاره می کند و می گوید: در روند تشکیل شورا های اسلامی کار که یکی از تشکلهای قانونی است، دولت نقش مهمی دارد و این موضوع عملاً این استقلال را از شورا گرفته است. ما بارها گفته ایم که روند ایجاد شورای اسلامی کار استان را به تشکلهای عالی همان استان بسپارید تا آنها خودشان شورای اسلامی کار را در کارگاهها تشکیل دهند و نمایندگان کارگر در هیات های تشخیص و حل اختلاف را انتخاب کنند اما متأسفانه دولت در این موضوع اصرار بر دخالت دارد و به هیچ عنوان حاضر نیست از آن دست بکشد.

ارزش جان کارگر فراتر از شعار است

اگر چه در قانون کار پیش بینی هایی برای حفظ ایمنی و بهداشت در نظر گرفته شده اما از آنجا که تشکلهای مستقل کارگری نقشی در نظارت بر اجرای این قوانین ندارند، نمی توان به اجرای تمام و کمال و موثر این قوانین امید داشت. قوانین حمایتی در کاغذ نوشته شده اند اما اجرا نمی شوند. واقعیت این است که کاهش آمار حوادث کار در ایران نیاز به تغییر رویکردی اساسی دارد. تا زمانی که قوانین، تزئینی و حمایت از کارگران تنها در حد شعار و ادعایی بی ارزش باقی بمانند و تا زمانی که نگاه ابزاری بر کارگران حاکم باشد، اوضاع بهبود نخواهد یافت.

یک کارشناس حوزه روابط کار:

اخذ تصمیمات صحیح در بازار کار منوط به سه جانبه گرایی است



یک کارشناس حوزه روابط کار فعال شدن دبیر خانه شورای عالی کار و اشتغال را به فال نیک گرفت و گفت: بدون مشورت و گرفتن نظر تولید کنندگان، کارآفرینان، کارگران و کارفرمایان، امکان اینکه بخواهیم با طرح های یک طرفه، تصمیمات صحیح در بازار کار بگیریم، غیر ممکن است.

حمید حاج اسماعیلی در گفت و گو با ایسنا ضمن اشاره به هزینه ۱۱ میلیون تومانی سبد معیشت خانوار های کارگری، گفت: فعال شدن دبیر خانه شورای عالی کار می تواند مفید و شمر ثمر باشد چرا که خیلی از مشکلات مربوط به حوزه روابط کار، معیشت و دستمزد را باید با اقدامات پژوهشی و به طور سه جانبه و گفت و گو بین کارگران، کارفرمایان و دولت انجام بدهیم. وی افزود: اگر دبیر خانه شورای عالی کار و شورای عالی اشتغال فعال شوند، می توانیم از نظرات و مشاوره های کارشناسان، نخبگان و اساتید در کشور استفاده کنیم و این مسأله یکی از مسیر های صحیح برای آن است که بتوانیم راه های جدیدی برای برون رفت از وضعیت دشوار موجود پیدا کنیم.

حاج اسماعیلی با بیان اینکه با برگزاری منظم جلسات شورای عالی کار، نظرات گروه های متعدد و شرکای اجتماعی شنیده می شود، اظهار کرد: بدون مشاوره و نظر تولید کنندگان، کارآفرینان و کارگران امکان اینکه دولت بخواهد یک طرفه

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی:

موافقان توافق کردن دستمزد، در پی حذف حقوق حداقلی کارگران هستند



رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی معتقد است طرفداران مزد توافق دنیال از بین بردن حقوق حداقلی کارگر و نیروی کار هستند. او می گوید امروز هزینه های زندگی آن قدر سنگین شده که کسی حتی در یک روستای دور افتاده هم حاضر نیست در جایی کار کند که حقوق پایین به او بدهند. فتح الله بیات در گفت و گو با ایسنا اظهار کرد: متأسفانه زمزمه هایی در مجلس تحت عنوان الحاق یک تبصره به ماده ۴۱ قانون کار مطرح است که موضوع تعیین دستمزد را در بخش روستایی آزاد و توافقی بگذارند اما این سیاست گذاری به سمت و سوی می رود که حداقل ها را از کارگران سلب می کند. وی ادامه داد: مدام فریاد می زنیم که نیروی کار باید امنیت شغلی داشته باشد تا بتواند امرار معیشت کند ولی می بینیم از آن طرف عده ای به دنبال توافق کردن دستمزد نیروی کار هستند تا از این طریق همان حقوق حداقلی کارگر را هم از بین برند و در بازار اشتغال وارونه عمل کنند.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی با بیان اینکه این طرح دنباله روی از سرمایه دارانی است که مزد کم به کارگر می دهند تا او را به استثمار بکشند، ارزش دارد.

تصمیمات صحیح در بازار کار بگیرد غیر ممکن است بنابراین هر چقدر دولت سعه صدر بیشتری نشان بدهد و آغوش بازتری برای شنیدن نظرات کارفرمایان، کارگران و تولید کنندگان داشته باشد قطعاً به پیدا کردن مسیر های صحیح و کارگشادر بازار کار کمک خواهد کرد.

این کارشناس روابط کار در پاسخ به این پرسش که حل مشکلات معیشتی کارگران و طبقات کم درآمد جامعه از چه مسیری دنبال خواهد شد؟ گفت: در حال حاضر دیدگاه دولت و مجلس حتی قوه قضاییه به هم نزدیک است و هر سه قوه دارای گرایش سیاسی واحدی هستند لذا یک گرایش یکپارچه برای امور نظارتی و اجرایی در کشور شکل گرفته است. این مسأله را شاید بتوان در بحث حل مشکلات مثبت ارزیابی کرد چون فهم یکسانی از بخشی از مشکلات در کشور وجود دارد ولی معتقدم بیشتر نگرش ها این است که شغل ایجاد شود تا اینکه حتماً نیازها را به اندازه مکفی برطرف یا تأمین کنند.

وی تصریح کرد: بار هادر مواضع وزیر کار شنیدیم تأکیدشان این نیست که حتماً امروز بازار کار را ایندووفق استانداردها بر اساس پرداخت حقوق کار باشد بلکه بیشتر حمایتشان این است که به سمت توافق های دو جانبه بین کارگر و کارفرما برویم در حالی که تصور نمی کنم مشکلات کشور و مشکلات بازار کار ما توافقات دو جانبه یا عدم رعایت قانون یک باشد.